



بیانات حجه الاسلام والمسلمین محمد جواد حاج علی اکبری

بیانات در جمع مربیان و شبکه پشتیبان خواهران  
مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۰  
مکان: دفتر نمایندگی



- فضای بدرقه ماه مبارک رمضان
- مروری بر جلسه گذشته
- مدیریت عرض زمان
- مدیریت زمان مرحوم آقای ری شهری
- ورع
- هنر ایستادگی در برابر نفس اماره
- روایات باب مخالفت با نفس
- مخالفت با خواسته های نفسانی
- مخالفت با هوای نفس در امور حرام
- خواسته های حلال نفس
- پرهیز از گفتار زیاد
- مخالفت با زیاده خواهی های نفس
- سؤالات مخاطبین
- قدس کلید فرج است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمند

## فضای بدرقه ماه مبارک رمضان

امیدوارم خداوند تبارک و تعالی از برکات این ماه با عظمت رزق وافر به همه شما و همه خانواده‌ها و دوستان شما و بچه‌های عزیز انجمن اسلامی کرامت کند. رسیدیم به وقت حساس ماه مبارک رمضان. امشب به حسب آنچه که اعلام شده است شب آخر ماه است. اگرچه بنابر بعضی از احتمالات ممکن است باز هم خداوند متعال فرصت یک روز دیگری را هم کرامت کند. فضا، فضای بدرقه ماه مبارک رمضان است که شاید بشود گفت مهم‌ترین اثر و خاصیت ماه مبارک رمضان از منظر پروردگار متعال عبارت است از ارتقاء سطح خویشتن‌بانی و حریم‌شناسی و حریم‌داری در انسان که از آن تعبیر می‌شود



به «تقوا». این که فرمود «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» منظور همین است که خداوند تبارک و تعالی توقع دارد به مناسبت ماه مبارک رمضان انسان‌های مومن در محیط عمومی این ماه الهی به تقوای بیشتری دست پیدا کنند. حالا که این ماه برایش گذشته است وقتی یک مراجعه‌ای به خودش می‌کند می‌بیند تقوای او ارتقا پیدا کرده است. این در واقع آن محصول ماه مبارک رمضان است. در آن خطبه شعبانیه از آن تعبیر شد به «ورع». وقتی که امیرالمومنین <sup>(علیه السلام)</sup> پرسیدند که ما «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟» پیامبر اکرم <sup>(صلوات الله علیه)</sup> فرمودند «الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ» اینکه انسان بتواند از جاذبه‌های نفسانی و شیطانی خودش را صیانت کند این ماه آن با فضیلت‌ترین عمل ماه مبارک رمضان است. حاصلش

جمع‌بندی مسیر طی شده در ماه مبارک رمضان است. هم انسان بتواند مؤدبانه استقبال کند و استقبال خوب داشته باشد، هم بدرقه خوب داشته باشد. بعضی‌ها خوش‌استقبال هستند، بد بدرقه هستند. اول ماه حس و حالی دارند، خیلی با اقبال قلبی و برنامه‌ریزی و امثال اینها می‌آیند ولی آخر ماه دیگر رها کرده و ممکن است خدای ناخواسته به نوعی با یک غفلتی خارج بشوند. عمده این است که انسان در وقت بدرقه ماه مبارک رمضان هم آن حس خوب و روشن خودش را حفظ کند. این دعای چهل و پنجم به ما راهنمایی می‌کند که چگونه باید با ماه مبارک رمضان خداحافظی کنیم.

در ارتباط با بحث ما نقش ماه مبارک رمضان نقش بسیار اساسی و جدی است. یعنی ظرفیت ماه مبارک رمضان

می‌شود ارتقاء خویشتن‌بانی و خودنگهداری و نگاه‌داشت حریم‌های الهی در کل سال. اگر بگوییم ماه مبارک رمضان «رأس السنه» است، اول سال است، معنایش این خواهد بود. به هر حال این دیگر آخرین ساعات ماه مبارک رمضان است.

از ظرفیت دعای چهل و پنجم ان‌شاءالله برای خداحافظی امشب استفاده کنیم. اگر خداوند توفیق داد امشب مراجعه بفرمایید با این کلمات نورانی با ماه مبارک رمضان وداع کنید. فردا هم به لطف خداوند متعال اگر توفیق شد باز همین مراجعه به دعای چهل و پنجم توصیه می‌شود. برای امشب یک نماز ده رکعتی هم وارد شده که خیلی با فضیلت است، آن هم خوب است اگر ان‌شاءالله در برنامه‌ها باشد که در مجموع شب و روز آخر ماه فرصت‌های



کنیم. عرض کردیم اصل اول آن یقظه و بیداری است و حاصلش خودشناسی و شناخت وضعیت است که یک توضیح مختصری درباره‌اش تقدیم شد. اصل دوم این بود که انسان در این رویارویی که یک رویارویی سرنوشت‌ساز است باید از خدای متعال کمک بخواهد. به خاطر پیچیدگی کار در این باره هم عرض کردیم این تکرار «ایاک نستعین» در همیشه نمازها هم در سوره مبارکه حمد الهام‌بخش همین مسئله است. نکته سوم این بود که از ولی کامل همّت بخواهیم و این ظرفیت بسیار عظیمی است که در دسترس ما است. بعد از دعا و مناجات به درگاه پروردگار متعال ظرفیتی که بسیار نقد، آماده و در دسترس ما هست ظرفیت توسّل است. خیلی آماده است. یعنی انسان هر وقت که اراده کند این جایگاه نمایندگی جمال و جلال حق

درواقع ظرفیت بسیار ممتاز برای کامیابی در مقابله با نفسانیات و در ادب کردن نفس، گرفتن مهار نفس، تقویت مراقبه‌های نفسانی و محاسبات، خیلی عجیب است. خوش به حال آنهایی که توانسته‌اند سهم خودشان را از ماه مبارک رمضان حداقل یکساله کنند؛ اگر نگوئیم برای همه عمر، یعنی از این ماه مبارک رمضان یک سهمی گرفته باشند که آنها را بتواند در یک مجاهدت یک ساله تا ماه رمضان آینده پشتیبانی کند.

### مروری بر جلسه گذشته

در ارتباط با بحث رویارویی با نفس اماره و مدیریت نفس اماره که بحث اساسی بود که به مناسبت سهم مربی از خود کار تربیتی این موضوع را مطرح کردیم، قرار شد که ما چند اصل را که جزء اصول اساسی هست با شما مرور



می‌کند برای مداخله‌های شیطانی، برای خیالات و توهمات شیطانی.

## مدیریت عرض زمان

در جریان مدیریت زمان و مدیریت «وقت» مسئله داشتن برنامه خیلی اهمیت پیدا می‌کند. ما چگونه می‌توانیم زمان و وقت‌مان را مدیریت کنیم؟ سوال یک سوال اساسی است. زمان از نظر مهار طولی که قابل مدیریت نیست. کسی که نمی‌تواند زمان و سرعتش را کم کند، متوقف کند و برگرداند. همه اینها محال است. ما یک راه بیشتر نداریم. ما مدیریت عرض زمان را باید انجام دهیم، چون طول زمان که قابل مدیریت نیست. عبور می‌کند و می‌رود و دست ما هم نیست و درواقع مظهر جباریت و قهاریت حضرت حق تبارک و تعالی در محیط زندگی ما همین زمان است.

تبارک و تعالی و ساحت انسان کامل و ولی‌الله‌الاعظم (عجل‌اللهتعالی فرجه‌الشریف و علیه‌السلام) آن به عنوان دفتر نمایندگی خداوند متعال همین‌طور آماده است و شما هر وقت کمک و توسل داشته باشید پاسخ می‌گیرد. مدد گرفتن از ولی خدا یکی از بهترین کمک‌کارها برای انسان در میدان جهاد اکبر است که امیدواریم ان‌شاءالله از این حضّ وافر داشته باشیم. مطلب بعدی هم بحث مدیریت «وقت» بود. خاطر مبارکتان هست عرض کردم که مسئله مدیریت «وقت» شاید در بین مباحث مربوط به سیر و سلوک مسئله اول است. یعنی اگر سالک در میدان جهاد به آن سرمایه اصلی خودش بی‌توجهی کند در کل ماجرا باخته است. آسیب‌هایی که از رهگذر بی‌مبالاتی درباره زمان و وقت ما داریم و چه آسیب‌هایی به انسان وارد می‌شود و میدانی درست



آقای ری شهری که اخیراً ایشان از دنیا رفته‌اند. آقای ری شهری جزء رجال و شخصیت‌هایی است که به لطف خدای متعال به مدیریت عمر موفق شد. یعنی همین چیزی که اکنون ما درباره آن صحبت می‌کنیم ایشان موفق شد. آنهایی که از نزدیک با رویه و مسیر ایشان آشنا بودند و می‌شناختند، این‌ها می‌گفتند هیچ چیزی در زندگی آقای ری شهری قیمتی‌تر از وقت ایشان نبود. درست برعکس ماها. از خودم بگیرید، حالا شما را نمی‌دانم. ان‌شاءالله شما هم مثل ایشان باشید. قیمتی‌ترین چیز در زندگی آقای ری شهری «وقت» بود. یکی از کسانی که حدود چهل سال با ایشان همنشینی داشت می‌گفت که به لحاظ پهنای عمر و برکتی که از رهگذر این وقت‌شناسی خداوند متعال به ایشان روزی کرد آقای ری شهری سه برابر

بنابراین زمان چیزی نیست که بشود مدیریتش کرد. آنچه که در اختیار ما گذاشته شده و خداوند تبارک و تعالی آن را برای ما مهیا کرده است «مدیریت عرض زمان» است. «عرض زمان» را می‌شود با فهرستی از تدابیر و برنامه‌ها مدیریتش کرد. در واقع آن چه که به اختیار ما، به پیش‌بینی‌های ما، به آینده‌نگری ما و به تدابیر ما برمی‌گردد، این‌ها کارهایی است که ما می‌توانیم انجام دهیم. از ما هم اتفاقاً همین خواسته شده است که شما هر چه که بتوانید پهنای عمرتان را کیفی‌سازی کنید تا این برود ذیل قاعده برکت که خداوند تبارک و تعالی به فرصت‌های شما برکت بدهد.

### مدیریت زمان مرحوم آقای ری شهری

من اخیراً در احوالات یکی از آقایان مطالعه می‌کردم. مرحوم





عمر ظاهری در دنیای خودش را کار کرد و مفید واقع شد. درست بر عکس ماها که ما متاسفانه مثلاً از یک روز چقدر استفاده می‌کنیم؟ مثلاً چقدر بهره‌برداری می‌کنیم؟ یک روز خیلی زیاد است. ما از یک روز چقدر استفاده می‌کنیم؟ خدا می‌داند سر ما پایین است. بهره‌ای نمی‌بریم. داریم می‌گذرانیم. بهره‌های ما بهره‌های حداقلی است. اما این آدم از دوران جوانی موفق شده و به شکلی طراحی کرده است که توانسته از عمر و فرصت‌هایش خوب استفاده کند. می‌گفتند اصلاً ایشان چیزی به نام بطالت و گذران وقت نداشت. این چیزهایی که در زندگی ماها یک چیزهای عادی و معمولی حساب می‌شود اصلاً ایشان نداشتند. لذا خداوند متعال به شخصیت و عمر ایشان برکت داد و موفق به کارهای بسیار بسیار بزرگ

شد. فقط مجموعه حدیثی که از ایشان باقی مانده در محور علمی، تا قرن‌ها انشاءالله مورد استفاده دوستان اهل بیت (علیهم‌السلام) است. همتی که در احیای میراث گران‌بهای اهل بیت (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) داشت. به عنوان مثال گفتم چون جدیداً ایشان از دنیا رفته‌اند و می‌دانید که به گردن همه ما هم حق دارد. چون بعضی از میدان‌هایی که ایشان اقدام کرده است میدان‌هایی بوده است که بهره‌اش به کل ماه‌ها رسیده است. بعضی از خدماتی که نسبت به انقلاب داشتند، بعضی از آفت‌هایی را که از انقلاب ایشان دور کرد و خیلی کارهای بزرگی انجام داده‌اند. نوعاً سهم عمده توفیقات آدم‌های موفق مربوط می‌شود به وقت‌شناسی و مدیریت زمان. کسی که بتواند عمر و فرصتش را مدیریت کند. غیر از این هم باشد چیزی که



هم بسیار بسیار زیاد است و در این روایتی هم که در ماه مبارک رمضان برایتان خواندم در واقع همین مطلب مورد تاکید قرار گرفته و آن مسئله «ورع» که عرض کردیم عبارت است از مخالفت با خواهش‌ها و خواسته‌های نفسانی. چه رازی وجود دارد که ماه مبارک رمضان می‌تواند در تقویت بنیه تقوایی انسان سهم داشته باشد؟ از چه مسیری است؟ این پاسخ‌هایی دارد ولی پاسخ اصلی این است که انسان مومن در ماه مبارک رمضان به پاره‌ای از خواسته‌های نفسانی‌اش می‌گوید نه؛ دقیقاً به همین دلیل. می‌گویند ضیافت الهی در ماه مبارک رمضان ضیافت ترک است، محور اصلیش این است، این می‌شود زمینه برای ضیافت اصلی. ضیافت اصلی چیست؟ قرآن است. اینها مقدمه می‌شود تا تو از این گرد و غبار نفسانیات

باقی می‌ماند یکی حسرت است. چه کارهایی می‌توانسته انجام دهد و بعدش هم دیگر نمی‌تواند انجام بدهد چون آن فرصت از دست رفته است. یکی حسرت است و نکته دوم هم آسیب‌ها است. کسی این نعمت بزرگ الهی را از دست داده باشد، خود این خسارت و حسرت‌بار است. ولی بدتر از این، این است که یک وقت خدای ناخواسته این عمر صرف اموری شده باشد که به جای اینکه انسان را پیش ببرد انسان را عقب بیندازد. بعضی از اهل معرفت می‌گویند اگر کسی طبق قواعد الهی موفق شد به مدیریت عمر، به هدف رسیده و خواهد رسید. این قدر نقش، نقش اساسی است.

## ورع

مطلب بعدی که جزء مباحث خیلی شناخته شده این باب محسوب می‌شود و اهمیتش



می‌گوید و مخالفت می‌کند. حاصلش این است که بتواند در برابر آفاریت نفس اماره و در محرمات الهی برای همیشه نه بگوید. این چقدر مسئله اساسی و بزرگ است.

اساساً نفس ما با پاسخ‌های مثبت تقویت می‌شود و با پاسخ‌های منفی تضعیف می‌شود و با پاسخ‌های مثبت به‌اندازه مدیریت می‌شود. سه جمله است. با پاسخ‌های مثبت نفس انسان تقویت می‌شود و همین نفس اماره جان می‌گیرد و تقویت می‌شود، با پاسخ‌های منفی تضعیف می‌شود، با پاسخ‌های منفی تنظیم شده و با پاسخ‌های مثبت تنظیم شده مدیریت می‌شود. پاسخ‌های مثبت به قاعده حاصل جمع این‌ها است که در مجموع می‌گویند چون نفس انسان اندازه‌شناس و مرزشناس نیست و هیچ مرزی را پیش روی خودش نمی‌شناسند،

خارج شوی. وقتی این گرد و غبارها در محیط شخصیت انسان نشست، آن‌گاه انسان می‌تواند خورشید قرآن را در محیط جانش تماشا کند. وقتی این گرد و غبارها باشد اصلاً چیزی نمی‌بیند.

## هنر ایستادگی در برابر نفس اماره

هنر ماه مبارک رمضان این است که این گرد و غبار نفس را می‌گیرد. سرش پس کجاست؟ سرش همین مخالفت است. همین مسیر طی شده ماه مبارک رمضان به برکت روزه و صیام، خاصیتش همین است که انسان به نفسش می‌گوید نه. تازه به شما آموزش می‌دهد که شما در حلال بگویید نه تا ان شاء الله جان شما قوی بشود که به همه حرام‌ها بتوانید بگویید نه. یک مدت کوتاهی به بعضی از آنچه که حلال الهی هم هست انسان نه



به بحث ما، آیه‌اش که مشهور است «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ الْعَنِئَةَ عَنِ الْهَوَىٰ فَيَإِنِّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»<sup>۳</sup> فرمود این «النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» هوا یعنی چه؟ یعنی همین خواسته‌ها و خرده فرمایشات نفس در بخش های گوناگون است. فرمود وقتی که شما نفسستان را از هوا نهی کنید، یعنی لگام بزیند و نه بگویند و مدیریتش کنید حاصلش ان‌شاءالله برای شما بهشت سعادت خواهد بود «فَيَإِنِّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ». یا در این آیه کریمه که فرمود «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۴</sup> و صریح قرآن کریم است که «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ»<sup>۵</sup> یعنی دنبال این خواسته‌ها و خرده فرمایش‌های نفس نرو «فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۶</sup> حاصلش این می‌شود که تو

حاصلش این می‌شود که انسان اگر قاعده کلی ورود در باب جهاد اکبر را بخواند، قاعده عمومی‌اش یک کلمه بیشتر نیست و آن مخالفت با نفس است. این باب مخالفت را خیلی باید جدی گرفت. ما با یک فهرستی از مطالبات نفس آماره مواجه هستیم. نحوه مطالبات نفس هم با خواهش و تمنا نیست، بلکه امر می‌کند. این نص قرآن کریم است «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»<sup>۲</sup> امر می‌کند، فرمان می‌دهد. خواسته‌هایش را این‌گونه مطرح می‌کند.

### روایات باب مخالفت با نفس

باب مخالفت در روایات ما یک فهرست مفصلی دارد. فرمودند اگر شما دنبال رشد هستید، رشد در مخالفت با نفس است. روایتش هم مکرر است و می‌تواند چه بسا کمک کند

۳ آیات ۴۰ و ۴۱ سوره مبارکه نازعات  
 ۴ - آیه ۱۶ سوره مبارکه تغابن  
 ۵ - آیه ۲۶ سوره مبارکه ص  
 ۶ - همان

۲ - آیه ۵۳ سوره مبارکه یوسف



کمتر است یا برای شما شرّ است، فرمود هر کدام را دیدید به هوای نفسانی و خواهش نفسانی تو نزدیک‌تر است بدان که آن ضدّ رشد توست، با آن مخالفت کن. فرمودند بیشترین خیر و صواب در مخالفت با هوای نفسانی است. این قاعده دارد به شما می‌دهد. به همین صراحت. این باب یک باب عجیبی است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند «و مُخَالَفَةُ الْهَوَى شِفَاءُ الْعَقْلِ»؛<sup>۱۰</sup> برای اینکه عقل انسان از خیلی از آفت‌ها شفا پیدا کند راهش این است که انسان با هواهای نفسانی مخالفت کند.

### مخالفت با خواسته‌های نفسانی

مسئله بعدی که یک قاعده بسیار بسیار اساسی در

را از راه خدا دور می‌کند و تو را از مسیر الهی بیرون می‌برد.

امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ نَيْلَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فَلْيَغْلِبِ الْهَوَى؟» اگر کسی تمنای نیل به درجات عالی انسانی را دارد راهی جز این ندارد که بر خواسته‌های نفسانی‌اش غلبه کند». یا فرمودند: «مَنْ أَشْتَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ؟» اگر کسی مشتاق بهشت است باید از این شهوات نفسانی خودش را منقطع کند». در جای دیگر فرمودند: «الرُّشْدُ فِي خِلَافِ الشَّهْوَةِ؟» رشد انسان در مخالفت با همین خواسته‌های نفسانی است». امام کاظم (علیه‌السلام) فرمودند اگر یک

وقتی شما بین دو کار قرار گرفتید و نمی‌دانید که کدامش برای شما خیر و صواب است و کدامش برای شما خیرش

۱۰ - غرر الحکم و درر الکلم، الجزء ۱، الصفحة ۷۰۶.

۷ - غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۶۴۶.

۸ - بحار الأنوار، جلد ۷۰، صفحه ۴۳.

۹ - بحار الأنوار، جلد ۷۵، صفحه ۵۳.

راه فرار همان جایی است که شیطان همیشه از همان راه ما را می‌اندازد به دام خواهش‌های نفسانی، بد می‌بینیم گرفتار و مبتلا شده‌ایم.

بنابراین خوبان عالم به ما می‌گویند که شما در نسبت‌تان با حضرت حق مبنای‌تان این باشد که اگر خدای متعال تا آخر دنیا را به من عمر بدهد من به هیچ وجه راضی نمی‌شوم امری از اوامر الهی را زیر پا بگذارم، نهی از نواحی الهی را زیر پا بگذارم. بنای‌تان این باشد، خیلی قاطع باشید.

در این بحث‌های مربوط به روان‌شناسی در ارتباط با مهارت‌ها می‌گویند مهارت «نه» گفتن. می‌گویند به بچه‌ها آموزش بدهیم که بتوانند «نه» بگویند آنجایی که واقعاً باید «نه» بگویند. چون «نه» به ضررها و تهدیدهایی است که به آنها آسیب‌های اساسی می‌زند. این در آنجا

باب جهاد اکبر هست عبارت است از مخالفت با خواسته‌های نفسانی. اولاً ما در ارتباط با خواسته‌های نفسانی که توسط حضرت حق تبارک و تعالی نهی شده است، یعنی نفس ما یک چیزی را می‌خواهد که این را خدای متعال نهی کرده است. چه در نگاه، چه در سخنانش، چه در رفتار، چه در معاشرت، در هر چیزی این را خدای متعال قطعاً نهی کرده، اما نفس ما این را می‌خواهد. اینجا مخالفت به معنای مخالفتِ قطعیِ حتمی است. یعنی هیچ سرسوزنی شما در عمق ذهن‌تان هم زمینه‌ای برای پاسخ مثبت گفتن به چیزی که نهی خدای متعال را دارد وجود نداشته باشد. یک وقت است که ما در ظاهر شخصیتمان نسبت به نواحی الهی حالت استتکاف وجود دارد اما در عمق باطن‌مان یک راه فرار گذاشته‌ایم، آن



حرام در همه ساحت‌هایش بود. هم مبنای قطعی ما باشد هم در این مبنا پافشاری کنیم و اینجا آنجایی است که رویارویی ما با نفس اماره می‌شود یک رویارویی بسیار جدی. خیلی هم شیطان سرمایه‌گذاری می‌کند. چون هر مرحله‌ای که شیطان موفق شود ما یکی از نواحی الهی را از آن عبور کنیم جشن می‌گیرد. چون یک گافی انسان می‌دهد که خیلی طول می‌کشد تا ما بتوانیم آن را ترمیم کنیم و ما را عقب می‌اندازد. حالا به فرض که این شخص توبه کند، به فرض که جبران کند، خیلی طول می‌کشد تا بتواند به همان نقطه قبلی‌اش بخواهد برگردد. پس این می‌شود باب اول.

### خواسته‌های حلال نفس

نکته دوم در باب آن منطقه حلال است. در منطقه حلال

به صورت یک قاعده جدی می‌باشد.

### مخالفت با هوای نفس در امور حرام

نه گفتن به نفس و شیطان در مواردی است که خدای متعال تحریم کرده. ما چطور به خودمان اجازه می‌دهیم مثلاً غیبت کسی را بکنیم؟ غیبت حرام است، حرام قطعی است، اجماعی است، خدای متعال یک سر سوزن هم از آن کوتاه نمی‌آید. چطور ما به خودمان اجازه می‌دهیم؟! هیچ وقت حتی در ذهن مان تصویری مبنی بر اینکه به خواسته نفس درباره مثلاً غیبت انسان مومنی بخواهیم تن بدهیم نداشته باشیم. اینجاها جایی نیست که در برابر خواسته این نفس، امر نفس، در برابر امر الهی و نهی الهی تعلل و درنگ کنیم.

این عرایض من مربوط به



یعنی چیزهایی که نفس اگر خواست، این نهی الهی بالای سر آن نیست که بگوید نه. مثلاً در محیط گرما انسان گرمش شده است و تمنای آب می‌کند که یک لیوان آب بخورم، خب این آب هم الان برایش حلال است که بخواهد بنوشد و حرام نیست. الان می‌گوید که مثلاً یک لباس خوشگل آمده، یک روسری قشنگی آمده مثلاً قیمتش هم می‌گویند مناسب است، در این صفحات مجازی و اینها هم به همدیگر نشان می‌دهند، می‌گوید خب این را هم مثلاً من بگیرم. خب حتماً نفس می‌گوید برو این را تهیه کن، نهی هم وجود ندارد. ببینید این الان جلوی ما است. ما چه کار کنیم؟ یک مثالی را زدم که شما بتوانید صدها مثال را با آن تطبیق بدهید. الان اینجا چه کار باید کرد؟ در خوراک همین‌طور است، در نوشتنی

همین‌طور است، در پوشیدنی همین‌طور است. ما چه کار کنیم؟

در باب خواسته‌های نفس در امور «حلال» یک قاعده به شما بدهم و آن قاعده عمومی می‌شود مخالفت حساب شده. در کل انسان در ارتباط با پیشنهادات نفس ناز داشته باشد، مدام ناز کند. ما به خواسته‌های نفس در این حوزه پاسخ فوری نگوییم. در برابر خواسته‌های عمومی نفس بنای ما بر این باشد که مخالفت کنیم.

گاهی می‌گویند این که حرام نیست، مگر این حرام است؟ مگر این را خدا حرام کرده است؟ نه، مسئله چیز دیگری است، تو می‌خواهی تربیت بشوی یا نه؟ می‌خواهی عقلت رشد کند یا نه؟ می‌خواهی در جهاد اکبر موفق شوی یا نمی‌خواهی موفق شوی؟ اتفاقاً موفقیت





حرف بزنند، ولی من به شما می‌گویم اتفاقاً در حال حاضر آقایان هم بیشتر مبتلا شدند به همین چیزهایی که اکنون اشاره شد و خیلی اختصاص به خانم‌ها ندارد. متها خب در خانم‌ها این مسئله جدی‌تر است.

اگر کسی بتواند در برابر خواسته‌های نفسانی‌اش، مثلاً برای گفتار زیاد و در مورد موضوعات مختلف اگر اینجا را بتواند مدیریت کند و کاهش بدهد عملاً وارد یک مبارزه جدی شده است. اینکه ما اجازه می‌دهیم به خودمان که مدام حرف بزنیم این تمایل نفس است. داریم به نفس‌مان می‌گوییم باشد این را هم بگوییم، آن را هم بگوییم. سر جمع حاصلش یک حالت خیلی بدی می‌شود. شما بعد از ۵۰ دقیقه مکالمه تلفنی، خودتان یک احساس تاریکی

در جهاد اکبر به پاسخ‌های اندازه‌گیری‌شده و محاسبه‌شده در امر حلال است. تکلیف حرام که معلوم است. آن چیزی که باعث می‌شود که شما در حرام بتوانید قاطع بگویید «نه» این است که در حلال بتوانید مدیریت‌شده بگویید «آری». یعنی اینجا هم توانی «نه» داشته باشی این به تو کمک می‌کند. ولی اگر راحت گفتمی «بله» کار خراب می‌شود.

### پرهیز از گفتار زیاد

یکی از گریزگاه‌هایی که اگر ما بتوانیم مرتب در برابر خواسته‌های نفس مقاومت کنیم، گریزگاه «گفتار» است. عمده ما در این بخش سقوط می‌کنیم. البته مشهور است می‌گویند خانم‌ها در این زمینه آسیب‌پذیرتر هستند. به خاطر هوش کلامی و طبع زندگی‌شان اقتضاء می‌کند که خیلی



چه است؟ راهش این است که ما در برابر خواسته‌های نفسانی با تأمل، با نیاز، با تأخیر پاسخ دهیم. مثلاً فلان صفحه را نگاه کنم، می‌گویند حالا باشد تا بعد، این باشد تا بعد. این مخالفتی است که اینجا رشددهنده است. مثلاً زیاد گویی‌ها و صحبت‌ها و امثال اینها را عرض کردم بگویند حالا باشد برای بعد، یعنی خواسته نفس را زود اجابت نکنند. در مورد خوردن هم این طور است. اینهایی را که می‌بینید تا مثلاً نفس‌شان می‌گویند این را بخور می‌خورند. مثلاً این شیرینی است، این شکلات است، این شربت است، این آب است، تا امر صادر می‌شود این فوری اجابت می‌کند. اینها نمی‌توانند خوب پیش بروند و می‌افتند در چالش‌های اساسی. پس این هم شد یک قاعده. بنابراین خوب است انسان

دارید. بعد از آن یک حالت بدی به انسان دست می‌دهد. کاش بتواند این را در همان اوایل وقت مدیریت کند.

## مخالفت با زیاده‌خواهی‌های نفس

«مُخَالَفَةُ الْهَوَى» پس دو رکن دارد. یک رکن «مخالفت با هوای نفس در امور حرام» است. این مخالفت، مخالفت قطعی حتمی جدی ابدی است و اصلاً درباره‌اش تعارف نباید کرد. رکن دوم در مورد «خواسته‌های حلال نفس» است. در مورد خواسته‌های حلال نفس آیا باز آن کلمه مخالف جاری است یا نیست؟ من طبق قاعده عرض کردم جاری است. یعنی آنجا هم مخالفت است، منتها این مخالفت با آن مخالفت خیلی فرق می‌کند. این مخالفت، مخالفت با زیاده‌خواهی‌های نفس است و اینجا هم راهش



این خیال نکند که این هر وقت هر چه خواست، به شما فرمان می‌دهد و شما می‌شوید عبد ذلیلش. نفس اماره فرمان می‌دهد ما هم که عبد ذلیل هستیم هر چه که او می‌گوید می‌گوییم چشم. این را بله بخورم بگوییم چشم، این را بگو چشم، فلان جا برو چشم، این را بخر چشم، این دائماً چشم گفتن‌ها است که کار انسان را خراب می‌کند. البته گفتنش آسان است. می‌دانم عمل کردن به آن آسان نیست و توفیق می‌خواهد. بنابراین اینجا مسئله اندازه‌گیری و اعتدال است. صحبت از زیاده‌روی‌ها و امثال اینها به هیچ وجه در این میان نیست.

### سؤالات مخاطبین

سوال: یکی از خواهران عزیز ما از شهرستان لرستان سوال‌شان این بود که اگر خود ما مایل

چیزی که از ماه مبارک رمضان یاد گرفته باشد همین باشد که شما دارید به فهرستی از حلال‌ها می‌گویید نه. این باعث آن رشد باطنی و عقل شما می‌شود و عزم شما را تقویت می‌کند، اراده شما را تقویت می‌کند، قوت ربّانی را در وجود شما تقویت می‌کند، روح انسان در مخالفت با نفس تقویت می‌شود. البته عرض ما اینجا یک عرض حساب شده‌ای هست. یکی از قواعد پیش‌رو است که ما هنوز به آن نرسیده‌ایم و آن می‌شود قاعده «اعتدال». این عرض من که امروز توضیح دادم به نظرم لطیف گفتم. یعنی به شما نگفتم به همه‌ی خواسته‌های نفس «نه» بگویید، گفتم در برابر امور حلال ناز کنید.

مثلاً نفس یک پرس از این غذاهای خوشمزه کامل می‌خواهد ما با نصفش موافقت کنیم، اینگونه که

گردن ما واجب عینی قطعی باشد. یعنی الان کاری است که از نظر خدای متعال انجامش برای من واجب عینی است و به گردن من آمده است، واجب کفایی نیست که مثلاً اگر من انجام ندادم جنابعالی انجام بدهید، من باید این را انجام بدهم، اکنون هم به گردنم هست. مثلاً در جبهه انقلاب و در زمان جنگ این را هم داشتیم، در زمان جنگ گاهی مثلاً این جور می شد، ما مثلاً می خواستیم برویم جبهه. خب معلوم است چه به پدر و مادر می گذرد. می پرسیدند آیا ما اینجا امر پدر و مادر را رعایت کنیم؟ می گفتند خب بستگی دارد، اگر در حال حاضر جبهه به وجود جنابعالی نیاز خواص دارد دیگر باید دست پدر و مادر را ببوسی و بروی، ولو آنها ناراحت بشوند. ولی اگر نه، اکنون به وجود شخص جنابعالی نیاز ندارد، یک نفر

به فعالیت فرهنگی باشیم اما خانواده مان -حالا ممکن است همسر یا پدرشان باشد- موافق این فعالیت ها نباشند، ادامه دادن این فعالیت موافق هوای نفس مان است یا خیر؟

پاسخ: دو نکته کلیدی اینجا مطرح است. یک وقت تزاخم بین امر و نهی پدر و مادر هست و دیگری همسر است. اگر پدر انسان او را نهی کند از اینکه مثلاً برود وارد فلان فعالیت بشود، نهی قطعی جدی داشته باشد یا مثلاً مادر انسان و حتی در حدی باشد که مثلاً انجام آن کار باعث اذیت جدی ایشان بشود، یعنی طرف می داند اگر من وارد این فعالیت بشوم مثلاً پدرم اذیت می شود، مادرم اذیت می شود، اینجا قطعاً باید انسان به نفع پدر و مادر آن کار را ترک کند.

یک استثنا دارد. استثنایش این است که آن کاری باشد که به



مثلاً از فلان فعالیت نهی قطعی می‌کند، دو مصلحت اینجا هست، یک مصلحت مربوط می‌شود به اینکه این کار را اکنون ایشان مصلحت نمی‌دانند من انجام بدهم، از این جهت که مغایر می‌شود با حقوق همسر، خیلی خوب اینجا معلوم است که انسان باید حتماً نظر همسرش را ترجیح بدهد. باز آن فرضی را که راجع به پدر و مادر گفتیم سرگرایش هست، انجام فلان کار الان برای من واجب عینی نیست. مصلحت دوم «بیتی» است. یعنی یک مسئله بالاتر داریم و آن حفظ کیان خانواده و مصلحت حفظ روابط سالم و پیش‌برنده با همسرش است که آن را هم باید انسان صیانت کند. در این میان این هم اهمیت دارد که باید به آن توجه کرد.

نکته بعدی هم عبارت است از اینکه اگر شما تشخیص‌تان

دیگر هست که می‌تواند برود جای شما را پُر کند که لازم به حضور شما نیست. پس این می‌شود قاعده‌ش.

راجع به اینجا هم همین‌طور هست. این که ما می‌گوییم نظر پدر و مادر با این شرط است که از طرف خدای متعال بر اساس قواعد دیگر، آن‌جا ما امر نداشته باشیم و شده مثل نماز، پدر بگوید نماز نخوان فایده‌ای ندارد که آن امر الهی آنجا وجود دارد ما به آن عمل می‌کنیم. پس این در واقع می‌شود آن نکته اساسی.

راجع به همسر هم مطلب این حساسیت را دارد. در مورد همسر یک حاشیه جدی‌تری هم به آن می‌خورد. اگر مثلاً همسر انسان مخالفت داشته باشد - که اینجا منظور آن مرد است چون حالا ما با جمع خانم‌ها داریم صحبت می‌کنیم - اگر آقای ایشان



توضیح می‌دهند، بالاخره بلد هستند چه کار باید بکنند خیلی توضیح نمی‌خواهد.

### قدس کلید فرج است

یک جمله رهبر عزیز و عالی‌قدرمان دارند که ایشان می‌فرمایند قدس «کلید فرج» است. این خیلی مسئله اساسی است. این عقبه عجیبی دارد. لذا به مسئله آرمان قدس نگاه ما نگاه از منظر تمهید برای ظهور باشد. دقیقاً این جور به آن نگاه کنید. آن هم تازه نه یک نکته‌ای که در فهرست مجموعه مقدمات ظهور قرار می‌گیرد، نه؛ به تعبیر رهبر به عنوان مسئله اساسی و کلیدی نگاه کنید. اسم رمز است.

این است که وارد فلان فعالیت اجتماعی از جمله مثلاً در همین مثلاً انجمن اسلامی یا جای دیگر و امثال اینها بشوید و آن را ضروری می‌دانید ولو واجب عینی هم برای شما نباشد ولی آن را واقعاً واجب می‌دانید، میدان این اقتضا را دارد که الان شما بروید آنجا کمک کنید، از این طرف هم اگر مخالفتی وجود دارد، آن وقت به نظر من جلب هنرمندان به موافقت مطرح می‌شود. اینجا دیگر هنر این بانوی مکرم این است که بتواند حالا چگونه موافقت پدر و مادر یا همسرش را جلب کند و معمولاً هم موفق می‌شود. یعنی تجربه ما نشان داده است که در این زمینه خانم‌ها به‌حمدالله موفق هستند و می‌توانند تاییدشان را بگیرند. حالا با آن روش‌های خاصی که خودشان بلد هستند آنها را همراه می‌کنند، قانع می‌کنند،







نامه ۳۱ نهج البلاغه بر ای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان که دست‌اندر کار تربیت علوی بچه‌های امیرالمؤمنین (ع) است، اگر بخواهد مسیر تریبی بچه‌ها را تسهیل، تقویت و تشویق کند تا در این زمینه موفق بشوند و قدم بردارند، به نظر یک نعمت عظمی و بسیار مفید و بی‌نظیر محسوب می‌شود. ما در اتحادیه به مناسبت مأموریت انتزایی که در محیط آموزش و پرورش داریم، باید علاوه بر اینکه خودمان بهره‌مند می‌شویم، ان‌شاء‌الله باید نقش معرفی راهم نسبت به نامه ۳۱ داشته باشیم.

نمرد ۳۱ در نهج البلاغه شیخی فوق‌العاده است. در مجموع آنچه که از خبایه و نمرد و حکمت‌ها در نهج البلاغه داریم، نمرد ۳۱ نمرده قدر اول است. در نهج البلاغه چند نمرده قدر اول داریم. یک نمرده ترقی جامع و نمرده ترقیده از علی ابن ابیطالب (علیه السلام) است.

انسی خاندوزی مسئله تعلیم و تربیت  
[www.OFOGHHA.ir](http://www.OFOGHHA.ir)